

بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق

نوع مقاله: پژوهشی

نور علی کرم الشوینی^۱
مریم امامی میبدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

چکیده

رشد بخش صنعت و توسعه صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافروزن منابع انرژی ارجمانه نفت و نوسانات شدید درآمد صادرات نفتی در اثر تحریمهای و مسائل سیاسی، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. در این راستا، بازارهای مالی نقش کلیدی در تأمین مالی رشد و توسعه صادرات کشورها را بر عهده داردند. از طرفی، سیستم بازارهای مالی کشور عراق بانک محور است و نقش سیستم بانکی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری کشور عراق بسیار اهمیت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی رابطه بین اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق پرداخته شده است. جامعه آماری در این پژوهش، از نظر قلمرو مکانی کشور عراق و از نظر قلمرو زمانی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۲۱ مدنظر قرار گرفته شده است. برای تخمین مدل تحقیق، ابتدا، آزمون دیکی- فولر و سپس، با استفاده از آزمون درون‌زاوی وو- هاسمن، وضعیت متغیرهای از جهت درون‌زا و درون‌زا بودن بررسی و درنهایت با توجه به نتایج آزمون‌ها مشخص گردید که برای تخمین مدل‌های تحقیق باید از الگوی خود رگرسیون برداری استفاده شود. با توجه به نتایج برآوردهای بلندمدت مدل اول و دوم تحقیق تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد بخش صنعت و نیز صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است که معرف تائید فرضیه‌های تحقیق است. بر اساس، نتایج تجزیه واریانس مدل‌های تحقیق، بالاترین تأثیر بر رشد بخش صنعت و صادرات صنعت به ترتیب؛ از سمت متغیر سرمایه فیزیکی و اعتبارات بانکی است؛ بنابراین، به لحاظ تأثیر مثبت اعتبارات بانکی بر بخش صنعت بر رشد بخش صنعت و صادرات بخش صنعت، بهتر است، برنامه ریزان در مورد تخصیص و مدیریت منابع کشور عراق توجه خاص داشته باشند.

کلمات کلیدی: اعتبارات بانکی، صادرات غیرنفتی، بخش صنعت، الگوی خود رگرسیون برداری.

طبقه‌بندی JEL: M₂₁, M₁₆, E₅₈, E₅₁

^۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوارسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
nooraallii90905@gmail.com

^۲- استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران (نویسنده مسئول).
m.emami@shaiau.ac.ir

مقدمه

الصادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی از جمله نفت و کمترشان درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین و اولین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی از جمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تکمحصولی است، بهنحوی که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود است. با بالا رفتن توان صادراتی کشور دولت می‌تواند به افزایش توان ارزآوری خود، کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های اقتصادی را بهبود بخشد و همچنین زمینه‌های جدیدی برای افزایش سطح اشتغال در بخش صنعت و همچنین سایر بخش‌ها فراهم کند (برنارد و جنسن، ۱۹۹۹).

بازارهای مالی می‌توانند، نقش بسیار مهمی در تأمین مالی توسعه صادرات داشته باشند. بازارهای مالی به بازار پول و بازار سرمایه تفکیک می‌شوند. بازار پول به منابع مالی کوتاه‌مدت اختصاص دارد و در مقابل بازار سرمایه به دادوستد منابع مالی بلندمدت مانند انتشار اوراق بهادر با سرسیید بیش از یک‌ساله گفته می‌شود. در نظریه‌های رشد کلاسیک جدید تأکید بر این اصل می‌شود که کارکرد مالی از دو جنبه نرخ انباشت سرمایه و نرخ نوآوری‌های فناورانه، بر رشد اقتصادی پایدار و تحول در بخش‌های مهم مانند صادرات تأثیرگذار است. وظیفه اصلی بازارهای مالی شامل بازارهای پول و سرمایه، تجهیز پساندازهای کوچک و بزرگ و هدایت آن بهسوی برآورد نیازهای بنگاه‌های اقتصادی است. از آنجاکه انگیزه پسانداز، وامدهی و به‌کارگیری اعتبارات در کارهای مناسب در همین بازار شکل می‌گیرد، ایجاد سازوکار مناسب برای جمع‌آوری پساندازها و به‌کارگیری سرمایه‌ها در بخش‌های موردنیاز صنعت و اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین بخش صنعت و صادرات متکی به آن در فرایند رشد و توسعه اقتصادی به‌ویژه در کشورهای نفتی از اهمیت بسزایی برخوردار است (طیبی و گوگردچیان، ۱۳۸۳).

صادرات به عنوان یک عنصر مؤثر و کلیدی در توسعه اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود، چه از دیدگاه اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی در پیشبرد اهداف یک کشور نقش مهمی دارد. سبد کالاهای صادراتی در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است و به طورکلی شامل دو بخش می‌شود، صادرات مواد خام و اولیه که به طور عمده شامل؛ نفت، گاز و سنگ‌های قیمتی است و صادرات مواد غیر خام یا به عبارتی کالاهای کارخانه‌ای است. در دنیای امروز تولید و صادرات کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای به عنوان معیاری از توسعه‌یافتنگی اقتصاد جوامع محسوب می‌شود. بنابراین،

^۱ - Bernard and Jenson

توسعه صادرات غیرنفتی همواره مورد توجه سیاستمداران و اقتصاددانان در کشورهای در حال توسعه است (میراحسنی و همکاران، ۱۳۹۰)

به طور کلی، یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، وابستگی اقتصاد آن‌ها به صدور مواد خام و اولیه است. از آنجایی که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط با صدور یک یا چند قلم مواد خام به دست می‌آید، در بلندمدت در برابر ناملایمات و فشارهای اقتصادی و سیاسی، ساختاری شکننده خواهد داشت. از سوی دیگر هر چند درآمدهای کلان نفتی می‌تواند برای کشورهای نفت‌خیز، بهره‌مندی مالی و فرصت پایه‌ریزی ساختار اقتصادی قدرتمند را فراهم آورد، ولیکن می‌تواند به مانعی در برابر ارتقای وضعیت و کیفیت اقتصاد این کشورها مبدل شود. در اقتصاد این کشورها معمولاً با گسترش استفاده از منابع درآمدی حاصل از فروش نفت، ارز‌آوری حاصل از نفت دستخوش نوسانات و شوک‌های قیمتی می‌شود. همچنین اتکای به درآمد نفت، موجب غفلت از سایر فعالیت‌های درآمدزای اقتصادی و ظرفیت‌های بالقوه طبیعی و صنعتی شده است که حاصلی جز افزایش واردات درازای صادرات نفتی ندارد و چنین وضعیتی، بزرگ‌ترین مانع تولید در این کشورها است (سلاطین و همکاران، ۱۳۹۵)

بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین راه برای جلوگیری از تأثیر منفی نوسانات قیمتی نفت، برنامه‌ریزی برای توسعه بلندمدت صادرات غیرنفتی در بخش صنعت باشد. در همین راستا، واحدهای تولیدی چه برای شروع فعالیت و چه برای بقا و توسعه در طی فعالیتشان، نیاز به سرمایه‌دارند و برای به دست آوردن آن به سمت بازارهای مالی روانه می‌شوند؛ اعتبارات اعطایی بانک‌ها یکی از منابع تأمین‌کننده سرمایه‌ای اولیه واحدهای تولیدی است (قربانی نژاد، ۱۳۹۷)

شومپیتر نخستین بار ارتباط بین نوآوری، رشد اقتصادی و توسعه بازارهای مالی را مطرح کرد. مک‌کینون، گلداسمیت و شاو بر این باور بودند که رشد اقتصادی و بازارهای مالی از مقولات کلیدی هستند. به اعتقاد آن‌ها کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده توسط مؤسسات مالی می‌تواند بخش مهمی از تفاوت نرخ رشد در بین کشورها را توضیح دهد. در آثار مکتوب جدید مربوط به رشد صنعت و اقتصاد نیز، بازارهای مالی بازیگر فعال و شاید مسلط در زمینهٔ فعالیت‌های صنعتی هستند (گرینوی و کلر، ۲۰۰۷). در کشور عراق به دلیل محدودیت‌های موجود در بازار مالی یکی از منابع مالی مهم و قابل دسترس برای بنگاه‌ها منابع بانکی است. به عبارتی، امروزه بانک‌ها در عراق به عنوان تنها نهادهای مالی تأمین‌کننده منابع در تشکیل سرمایه و راه‌اندازی بنگاه‌های بخش صنعت نقش اساسی ایفا می‌کنند. موضوع لزوم افزایش تسهیلات و اعتبارات اعطایی و تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و افزایش صادرات غیرنفتی ناشی از آن می‌تواند، از مباحث مهم

^۱ - Greenaway and Kneller

در اقتصاد این کشور باشد که موضوع بررسی در این پژوهش است. با توجه به عنوان پژوهش، فرضیه‌های زیر بررسی شده است:

فرضیه اول: رابطه مثبت و معناداری بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه مثبت و معناداری بین اعتبارات بانکی و صادرات بخش صنعت کشور عراق وجود دارد.

درنهایت، ساختار مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می‌شود و سپس، الگوی تحقیق و یافته‌های تحقیق و در آخر، نتایج تحقیق تبیین می‌گردد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ادبیات تجارت بین‌الملل دو واقعیت اصلی خودنمایی می‌کند. ابتدا بنگاه‌ها به هنگام ورود به بازارهای صادراتی ممکن است، با هزینه ثابت اولیه قابل توجهی مواجه شوند و دیگری این که بنگاه‌ها به لحاظ کارایی بسیار ناهمگن هستند. بخش بزرگی از این ناهمگنی از آنجا نشأت می‌گیرد که در سطح کلان توسعه مالی تأثیر معناداری بر جریانات تجاری دوچانبه دارد؛ بنابراین، ناهمگنی حاصل از محل تفاوت‌های دستیابی به امکانات تأمین مالی می‌تواند، یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی در مورد رفتار صادرات صنعت در سطح خرد باشد. لذا، در کنار شواهد مربوط به وجود هزینه‌های ثابت اولیه، این واقعیت می‌تواند، در مورد این که چرا همه بنگاه‌های صنعتی درگیر تجارت بین‌الملل نمی‌شوند و اینکه چرا صادرکنندگان در مقایسه با دیگر تولیدکنندگان کارآثر هستند، توضیح دهد (Ding، ۲۰۲۲). بنا به آنچه گفته شد، در این بخش مبانی نظری بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت پرداخته شده است.

۱-۱. بخش صنعت

صنعت یکی از بخش‌های مهم و اساسی اقتصاد و بستر ساز اصلی رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری است که بدون آن هیچ‌گاه توسعه پایدار رخ نخواهد داد. دروازه‌های اقتصادی هر کشوری زمانی آغاز خود را بر توسعه پایدار بازخواهد کرد که بسترهای صنعتی مناسبی صورت گرفته و سرمایه-گذاری‌های در خور توجهی روی آن صورت گیرد؛ زیرا رشد و توسعه صنعتی است که زمینه و امکان رشد و توسعه اقتصادی سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم می‌کند (ایکاون و همکاران، ۲۰۱۹).

^۱ - Ding

^۲ - Iacovone et al

۲-۱. توسعه صادرات

از محورهای مهم جهت برنامه‌ریزی بهویژه در توسعه صادرات کشورهای در حال توسعه، آگاهی از ظرفیت‌های دوجانبه کشورها در تولید و صدور کالا است. در رابطه با مفهوم پتانسیل صادراتی بایستی اشاره کرد، که یک کشور ممکن است، در تولید یک محصول از پتانسیل تولیدی برخوردار باشد، به طوری که آن محصول را در مقایسه با سایر کشورها ارزان‌تر تولید کند. در این ارتباط عوامل متعددی بر پتانسیل صادراتی هر کشور تأثیر می‌گذارند، به‌طوری که برخی از این عوامل حتی پتانسیل کشورها در مرحله تولید را متأثر می‌کند. عواملی نظیر کشش عرضه تولیدی، هزینه‌های حمل و نقل، بسته‌بندی، بیمه، بازاریابی، تبلیغات و اطلاع-راسانی از جمله مهم‌ترین عوامل فوق هست، که بر پتانسیل صادراتی مؤثرند. در واقع، عوامل فوق تشکیل دهنده ظرفیت و پتانسیل صادراتی یک کالا در یک کشور به حساب می‌آید، که در مرحله اولیه سیکل تولید حاصل می‌گردد. از آنجاکه عرضه کالا برای پاسخ‌گویی به تقاضا صورت می‌گیرد، لذا از طرف تقاضای صادراتی نیز عوامل مختلفی امکان یا عدم امکان استفاده از پتانسیل هر کشور را رقم می‌زند، که از جمله می‌توان به رشد تقاضا به جهت تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان خارجی، دخالت دولت کشورهای واردکننده، کشش قیمتی و درآمدی و متقاطع تقاضا برای صادرات به بازارهای بین‌المللی اشاره نمود. در مجموع وجود پتانسیل هر کشور در عرضه کالا به بازارهای صادراتی عمده‌ای از ناحیه نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی و فناوری است، که شرط لازم برای حضور موفق در بازارهای جهانی هستند. ولی شرط کافی محسوب نمی‌شوند. بدیهی است، بازارهای گستره‌ده و متنوع برای محصولات صادراتی هر کشور می‌تواند، یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر برای حضور پایدار و مستمر در آن بازارها به شمار روند. با عنایت به این که فاصله جغرافیایی وجود اشتراکات فرهنگی از عوامل مؤثر در بازاریابی و توسعه فعالیت بنگاهها در سطح بازارهای بین‌المللی است. حفظ جایگاه و موقعیت محصولات در این بازارها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (Minetti و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

۳-۱. صادرات غیرنفتی

الصادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی از جمله نفت و کمتر شدن درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین و اولین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی از جمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تکمحصولی است. به‌نحوی که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر

^۱ Minetti et al

بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود. با بالا رفتن توان صادراتی کشور دولت می‌تواند، به افزایش توان ارزآوری خود، کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های اقتصادی را بهبود بخشد و همچنین زمینه‌های جدیدی برای افزایش سطح اشتغال در بخش صنعت و همچنین سایر بخش‌ها فراهم کند. بازارهای مالی می‌توانند نقش بسیار مهمی در تأمین مالی توسعه صادرات داشته باشند. بازارهای مالی به بازار پول و بازار سرمایه تفکیک شده و در آن بازار پول به منابع مالی کوتاه‌مدت اختصاص دارد و در مقابل بازار سرمایه به دادوستد منابع مالی بلندمدت مانند؛ انتشار اوراق بهادار با سرسید بیش از یک سال اهتمام دارند. در نظریه‌های رشد کلاسیک جدید تأکید بر این اصل می‌شود که کارکرد مالی از دو جنبه نرخ انباشت سرمایه و نرخ نوآوری‌های فناورانه رشد اقتصادی پایدار تحول در بخش‌های مهم مانند؛ صادرات تأثیرگذار است (موحدمنش و عالی‌منش، ۱۳۹۸).

۴-۱. اعتبارات بانکی

بدیهی است، برای دستیابی به توسعه صادرات باید خدمات مالی اساسی مرتبط با صادرات وجود داشته باشد. واحدهای تجاری برای انجام دادن، فعالیت‌های عملیات و سرمایه‌گذاری خود نیاز به سرمایه و وجود وجوه دارند. به‌طور کلی، واحدها و بنگاه‌های اقتصادی جهت تأمین کمبود منابع مالی خود با دو گزینه روبرو هستند: تأمین منابع مالی به‌طور مستقیم از طریق بازارهای مالی و تأمین منابع مالی به‌طور غیرمستقیم از طریق واسطه‌های مالی مانند؛ بانک‌های تجاری، منابع تأمین مالی را از نظر سرسید به تأمین مالی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و از لحاظ تأمین منابع به داخلی و خارجی تقسیم می‌کنند. اهمیت اعتبارات بانکی در سرمایه‌گذاری، هنگامی آشکار می‌شود که کanal تأثیرگذاری سیاست اعتباری و سطح تولید مورد توجه قرار گیرد. به‌طور کلی، سه کanal در این خصوص قابل تشخیص است. ابتدا، ارتباط غیرمستقیم حجم اعتبارات و تقاضای کل در صورت وجود ظرفیت اضافی تولید و اشتغال ناقص می‌تواند، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و تولید شود. دوم، ارتباط مستقیم بین نقدینگی به عنوان سرمایه‌کاری و حجم جاری تولید و سوم ارتباط بین حجم اعتبارات بانکی و سرمایه‌گذاری افزایش تولید در آینده است. در کشورهای در حال توسعه در دسترس بودن منابع و اعتبارات بانکی، نه تنها برای موسسه‌های بزرگ بلکه برای کارگاه‌های کوچک صنعتی و واحدهای کشاورزی اهمیت دارد. چراکه، برای این بنگاه‌های اقتصادی، استقراض از بازار غیررسمی، تنها با نرخ‌های بهره بالا امکان‌پذیر است. سوم، نبود و گسترش محدوده بازار سهام شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، امکان تأمین مالی منابع مالی را برای موسسه‌های اقتصادی از طریق انتشار سهام به شدت محدود می‌کند. توسعه‌نیافستگی بازارهای مالی و به خصوص بازار سرمایه یکی دیگر از عوامل مؤثر و عدم شکل‌گیری منابع سرمایه‌گذاری در کشورها

است. در کشورهایی که بازار سرمایه گستردگی و عمق کافی ندارد، شبکه بانکی مجرای اصلی جذب پساندازها و تخصیص اعتبارات برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری است (لوین و همکاران^۱، ۲۰۲۰). از طرفی، در کشورهای در حال توسعه توسعه یافته، بازار سرمایه دچار مشکلات گزینش نامناسب در زمینه اعتبارات و سهمیه‌بندی سرمایه است. سهمیه‌بندی اعتبارات ممکن است، به وسیله بانک‌ها انجام شود. از طرفی، بانک‌ها در شرایط عدم تقارن و تناسب اطلاعات مایل به قبول مخاطره نمی‌باشند و در غیاب بازارهای سرمایه فعال و کارآمد، شرایط تخصیص نامطلوب اعتبارات رخ می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه مشکلات بازار سرمایه ناقص نیز بسیار جدی است، چراکه، در این کشورها بازار سرمایه کمتر توسعه یافته و اقتصاد دائماً با شرایط عدم اطمینان و نوسانات شدید بازارهای مالی روبرو هست. درنتیجه، اثرات سوء سهمیه‌بندی اعتبارات و سرمایه بسیار جدی است؛ بنابراین، کشورهای کمتر توسعه یافته با دو مشکل بزرگ روبرو هستند؛ (۱) اطلاعات آن‌ها برای سهمیه‌بندی مطلوب اعتبار و سرمایه، ناقص است، (۲) سازمان‌های کارآمد برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی و رسیدگی به نواقص بازار ندارند (استیگلیتز^۲، ۲۰۱۷).

۵-۱. نقش اعتبارات بانکی بر بخش صادرات

ورود به بازارهای صادراتی مشمول پرداخت هزینه‌های فرصت می‌شود، درنتیجه شرکت‌های مایل به صادرات باید یک سرمایه‌گذاری ثابت اولیه انجام دهند و تصمیمات مربوط به ورود به بازارهای صادراتی احتمالاً از متغیرهای مالی از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت تأثیر می‌پذیرد. با این حال مطالعات کمی به ارتباط بین عوامل مالی و مشارکت در بازار صادرات توجه کرده‌اند (کامپا و شاور^۳، ۲۰۱۳). محدودیت‌های نقدینگی را به عنوان حساسیت سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت نسبت به متغیرهای مالی اندازه‌گیری کرده‌اند. بازارهای مالی ضعیف یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صنعتی است. تولیدکنندگان ممکن است با محدودیت‌های اعتباری و مشکلات عملی دریافتمن منابع لازم برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های خود مواجه شوند. یک چنین محدودیت‌هایی ممکن است، حاصل ناکارآمدی بخش مالی و یا از اعتبار کافی برخوردار نبودن، شرکت‌های خصوصی درگیر باشد. با این حال، این مشکل گاهی اوقات می‌تواند، ناشی از نارسایی اطلاعات باشد و به هم‌ریختگی و ناهم‌تازی بین عرضه و تقاضای اعتبار ممکن و ناشی از ارزیابی ناقص ریسک توسط شرکت‌ها یا عدم اعتبارسنجی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی باشد (دوتسه و همکاران^۴، ۲۰۱۳).

^۱ - Levine et al.

^۲ - Stiglitz

^۳ - Gupta & Keshari

^۴ - Dutse et al

حلقه مفقوده ارتباط صادرات و سرمایه‌گذاری را می‌توان در افزایش توان تولید داخلی جستجو کرد. برای صادرات بیشتر نیاز به تولید بالا بوده و برای رسیدن به توان بالای تولیدی به سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه نیاز است. لزوم وجود سرمایه‌گذاری فراوان برای افزایش حجم تولید مستله‌ای غیرقابل انکار است؛ زیرا با افزایش تقاضا برای کالاهای و تولیدات داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری جدید امری ضروری است (آلمنیا و همکاران^۱، ۲۰۲۱). در کوتاه‌مدت اثر سرمایه‌گذاری بر صادرات به مرتب کمتر از بلندمدت است. به شکلی که سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت می‌تواند، رشد صادراتی محدودی را ایجاد کند. در حالی که شرط لازم برای ایجاد رشد صادرات غیرنفتخی در بلندمدت افزایش سرمایه‌گذاری است. همچنین افزایش صادرات می‌تواند برای آن بخش از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که تولیدش توان رقابت داشته باشد و قابل صدور باشد، اثر مثبت داشته باشد. این مسئله می‌تواند سبب بازتر شدن بازار برای کالاهای موردنظر شده و از این‌رو سبب شود تا تولیدکننده به تولید انبوه روی آورد. در این مرحله که تولیدکننده می‌تواند، هزینه‌های تولیدی خود را از طریق افزایش ظرفیت کاهش دهد و انگیزه برای سرمایه‌گذاری بیشتر را فراهم کند. در کشورهای در حال توسعه بسیاری از بنگاه‌ها با محدودیت در بازار اعتبارات مواجه هستند که این به دلیل عدم تقارن اطلاعات بین وامدهنده‌گان و وام‌گیرنده‌گان و درجه عملکرد بازار سرمایه و واسطه‌گری‌های سیستم مالی است. بخش‌های خاصی از بازار سرمایه در این کشورها مانند؛ روش‌های تأمین مالی بلندمدت و بازار معاملات آتی توسعه‌نیافته است. از این‌رو وام‌های بانکی و وام‌های خارجی ممکن است، تنها منابع اعتبار موجود برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری باشد. هنگامی که این نوع منابع در دسترس باشند، منجر به تحریک سرمایه‌گذاری می‌شوند، حتی اگر سرمایه‌گذاران منابع مالی کافی در دست نداشته باشند (ریبیرو و تیکسیرا^۲، ۲۰۰۱).

متغیر دیگری که در نظریه نئوکلاسیک‌ها در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری مهم شمرده می‌شود، متغیر نرخ بهره واقعی است. نرخ بهره می‌تواند به عنوان هزینه استفاده از سرمایه یا نرخ سود اعتبارات بانکی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود. افزایش نرخ بهره قابل پرداخت یک عامل بازدارنده سرمایه‌گذاری است و انتظار می‌رود که رابطه میان این دو متغیر منفی باشد. در واقع، نرخ سود تسهیلات بانکی را می‌توان، به عنوان بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفت؛ بنابراین، کاهش این نرخ حجم سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش قیمت تمام‌شده کالا می‌شود. نرخ بهره واقعی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در کشورهای در حال توسعه به طور بالقوه مبهم است. بر اساس، الگوی سرمایه‌گذاری نئوکلاسیک نرخ بهره واقعی یک جز کلیدی در تأمین

^۱ - Almunia et al.

^۲ - Ribeiro & Teixeira

هزینه استفاده از سرمایه است و درنتیجه اثر منفی بر سرمایه‌گذاری دارد. با این حال، این استدلال وجود دارد که نرخ بهره واقعی بالاتر، جریان اعتبارات بانکی را افزایش می‌دهد که مکمل پسانداز بخش خصوصی و تسهیل‌کننده تشکیل سرمایه‌گذاری است (فریم پونگ و ماربیا، ۲۰۱۰).

بنابراین، نرخی که سیستم بانکی برای ارائه تسهیلات در نظر می‌گیرد، به طور کلی، در میزان سرمایه‌گذاری و به طور خاص، بر سرمایه‌گذاری در زمینه صادرات غیرنفتی و عرضه آن نقش تعیین-کننده‌ای دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاری از طریق تسهیلات بانکی (به عنوان یک منبع بابتات مالی) می‌تواند، در تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی که قابلیت صادرات دارند، مؤثر باشد. از طرف دیگر، نرخ ارز نیز می‌تواند، سطح سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. نرخ ارز یکی از اجزایی است که هزینه‌های واقعی واردات را مشخص می‌کند. کاهش ارزش پول در پی افزایش نرخ ارز، هزینه‌های واقعی خرید کالاهای سرمایه‌ای وارداتی را افزایش می‌دهد و درنتیجه باعث کاهش سود بنگاه و احتمالاً کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه بر این، کاهش ارزش پول می‌تواند باعث کاهش درآمد واقعی کل اقتصاد شود؛ بنابراین، منجر به کاهش سطح تولید و ظرفیت‌های تولیدی و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. کاهش ارزش پول واقعی می‌تواند، تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری در کالاهای صادراتی، رقابت‌پذیری و درنتیجه افزایش حجم صادرات شود. همچنین کاهش نرخ ارز واقعی باعث افزایش سوددهی بخش‌هایی که گرایش به صادرات دارند، می‌شود و درنتیجه سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های کالاهای سرمایه‌ای وارداتی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی وابسته به واردات می‌شود؛ بنابراین اثر کل نرخ ارز واقعی بر سرمایه‌گذاری مبهم است (کلاسنس و ون هورن، ۲۰۲۱^۱).

۲. پیشینه تحقیق

نوری و عزیز (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل واقعیت اعتبارات بانکی و نقش آن در توسعه رشد اقتصادی در عراق برای دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۴ به صورت توصیفی میزان اعتبارات بانکی و تولید ناخالص داخلی بررسی گردیده شده و نتایج معرف آن بود که رابطه مستقیم بین کل اعتبارات بانکی اعطایی با تولید ناخالص داخلی برقرار است.

بدوی و محمد (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل نقش اعتبار بانکی در تأمین مالی پروژه‌های صنعتی متوسط در اقتصاد عراق با استفاده از روش ARDL، برای دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۸

^۱ - Frimpoung & Marbo

^۲ - Claessens & Van Horen

بررسی شده و نتایج تحقیق معرف آن است که افزایش اعتبارات بانکی منجر به افزایش تولید و در بلندمدت گسترش صنعت و صادرات صنایع می‌شود.

خلف و علی^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش تأثیر اعتبار بانکی بر کل تولیدات کشاورزی اعطاشده توسط بانک تعاون کشاورزی عراق با استفاده از روش ARDL، برای دوره ۲۰۱۹-۱۹۹۰ مشخص گردید که بین اعتبار بانکی و تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معناداری و در بلندمدت رابطه غیر معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که وام‌های اعطایی کوچک به بخش کشاورزی تأثیر بالایی بر رشد بخش کشاورزی نداشته و نیز برای رشد سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی عراق علاوه بر رشد اعتبارات بانکی، دولت در زیرساخت‌ها باید فعالیت خود را افزایش دهد.

شو و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اعتبار بانکی بر صادرات به اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا: مطالعه تجربی ویتنام بهصورت داده‌های تابلویی در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۲ بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است، اولاً، اعتبار بانکی برای فعالیت‌های صادراتی در ویتنام بسیار مهم است. ثانیاً، صادرات به کشورهای آسه آن تأثیر پراکنده‌گی بیشتری نسبت به صادرات به سایر کشورها دارد و سرمایه موردنیاز برای صادرات به کشورهای آسه آن نیز بالاتر است. این بدان معنا است که اعتبار بانکی برای فعالیت‌های صادراتی به کشورهای آسه آن باید تشویق شود. به عنوان یک نتیجه از شواهد تجربی در مورد قدرت پراکنده‌گی و سطح ارزش‌افروزه ناشی از افزایش تقاضای نهایی، این مطالعه توصیه می‌کند که ویتنام باید توجه بیشتری به کشورهای هدف بالقوه مانند؛ لائوس، مالزی و تایلند داشته باشد و همچنین برخی از آن‌ها را در اولویت قرار دهد.

هدائی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر نوآوری مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی خود رگرسیون توزیعی با وقفه در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که نسبت اعتبارات در کوتاه‌مدت و ضریب بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد. همچنین آزادسازی تجاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی در بلندمدت دارد.

حسین‌زاده و اسماعیل‌زاده (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر نامتقارن شوک‌های پولی بر اعتبارات بانکی طی ادوار تجاری در طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۷ با استفاده از رگرسیون انتقال ملایم به این نتایج دست یافته‌اند که زمانی که رشد اقتصادی در ایران از ۳/۶۲ درصد تجاوز

^۱ -Khahaf & Ali

^۲ - Thi et al

کند، با سرعت تعديل ملایم برابر ۵/۵۸ تغییر رژیم اتفاق خواهد افتاد و رشد اقتصادی به عنوان متغیر آستانه دارای تأثیر مثبت و معنادار بر اعتبارات بانکی است.

احمدی اشکفتکی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات غیرنفتی بخش‌های صنعت و کشاورزی از روش هم انباشتگی یوهانسون در طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۱ بررسی نموده‌اند. نتایج حاصل از روابط بلندمدت، بیانگر آن است که اعتبارات بانکی بخش‌های صنعت و کشاورزی بر صادرات آن‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع همبستگی علی و مبتنی بر تحلیل داده‌های سری زمانی است. هدف از انجام این پژوهش ارائه یک الگوی اقتصاد کلان با دنظرگرفتن شرایط عراق است. برای اساس، در ابتدا؛ بر اساس اصول مدل‌سازی، یک مدل که مبین ساختار اقتصادی کشور عراق بیان شده و در ادامه، روند تغییرات اعتبارات بانکی به بخش صنعت، تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت، تغییرات صادرات بخش صنعت و تغییرات رشد بخش صنعت به صورت هندسی ترسیم و تفسیر شده است. گرداوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و از پایگاه اطلاعاتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صورت گرفته است. مدل تحقیق در قلمروی مکانی عراق در بازده ۲۰۰۷-۲۰۲۱ با استفاده از روش خود رگرسیونی با توزیع با وقفه (ARDL) تخمین‌زده شده است.

۳-۱. تصریح مدل و متغیرها

در بسیاری از مطالعات الگوی به کاررفته، در صادرات بخش صنعت بر مبنای الگوی خان و نایت^۱ (۱۹۸۸) هست که در آن عرضه اولیه صادرات تابع تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز است؛ اما از آنجاکه متغیرهای این الگو به تنهایی برای توضیح صادرات کافی نمی‌باشند، در بسیاری از مطالعات بنا بر شرایط و هدف محقق متغیرهای قیمتی و غیر قیمتی دیگری نیز به الگو اضافه شده‌اند. در این پژوهش مدل سرمایه‌گذاری فریم پونگ و ماربوا^(۲۰۱۰) که در رابطه با تأمین مالی صادرات بخش صنعت است، مورد بررسی قرار گرفته و از ترکیب دو مدل خان و نایت^(۱۹۸۸) و فریم پونگ و ماربوا^(۲۰۱۰)، مدل نهایی پژوهش به دست آمده است. با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش صادرات بخش صنعت تابعی از تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت، میزان اعتبار بانکی داده شده به بخش خصوصی، نرخ ارز واقعی و درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفته شده است. از طرفی، تولید ناخالص داخلی بخش صنعت خود تابعی از میزان سرمایه فیزیکی و نیروی کار شاغل در بخش

^۱ - Khan & Knight

صنعت و میزان اعتبار داده شده به بخش خصوصی به عنوان مهم‌ترین روش تأمین مالی سرمایه-گذاری در عراق است. بنابراین، برای دستیابی به اهداف تحقیق دو مرحله تخمین صورت گرفته است. ابتدا، به بررسی فرضیه اول، مبنی بر رابطه بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق در مدل (۱) پرداخته شده:

$$\ln VI_t = \alpha_1 + \alpha_2 \ln KI_t + \alpha_3 \ln LI_t + \alpha_4 \ln CRD_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

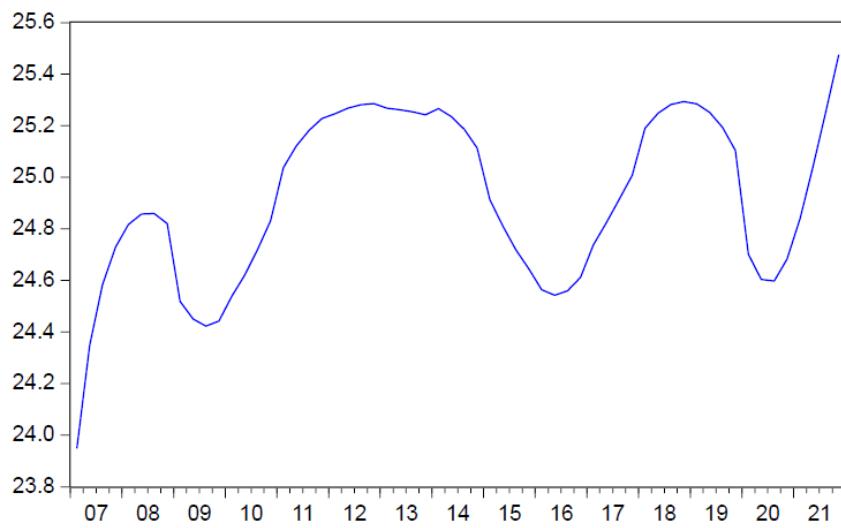
که در آن؛ (VI_t) رشد اقتصادی بخش صنعت، (KI_t) سرمایه بخش صنعت، (LI_t) نیروی کار بخش صنعت، (CRD_t) کل اعتبارات بانکی به بخش صنعت و \ln نماد لگاریتم است. سپس، برای فرضیه دوم تحقیق نقش اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت در مدل (۲) پرداخته شده است:

$$\ln XI_t = \beta_1 + \beta_2 \ln Fx_t + \beta_3 \ln RER_t + \beta_4 \ln CRD_t + \beta_5 \ln Open_t + U_t \quad (2)$$

به طوری که، (XI_t) صادرات بخش صنعت، (Fx_t) تأمین مالی سرمایه گذاری بخش صنعت، (RER_t) نرخ واقعی ارز، (CRD_t) کل اعتبارات بانکی به بخش صنعت، $(Open_t)$ درجه درجه‌بودن اقتصاد و \ln نماد لگاریتم است.

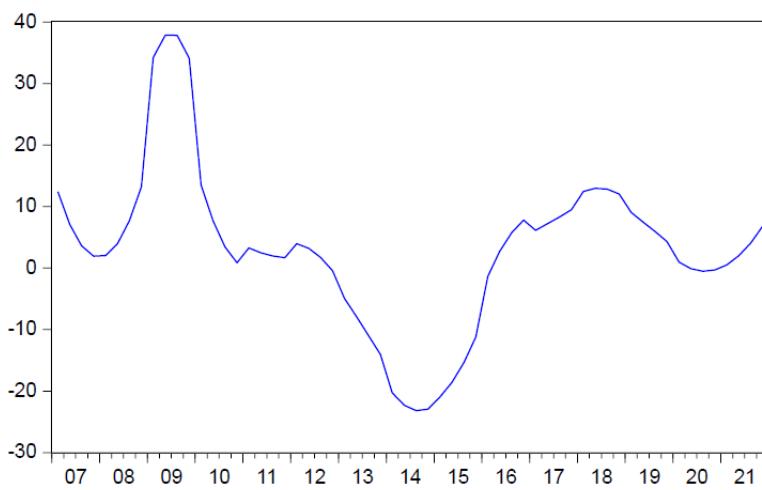
۲-۳. تفسیر روند متغیرهای تحقیق

در شکل (۱)، روند تغییرات رشد بخش صنعت کشور عراق را نشان می‌دهد، این روند با گرچه دارای نوسانات شدیدی بوده است، اما در ابتدا و انتهای دوره نسبتاً یکسان بوده است؛ اما در شکل (۲)، روند تغییرات صادرات بخش صنعت کشور عراق را نشان می‌دهد. این روند تقریباً در تمام دوره، دارای روندی نوسانی بوده است. در سال ۲۰۱۹ به علت آغاز اعتراضات در اول اکتبر این سال صادرات عراق روندی نزولی به خود گرفته است اما در پایان دوره روند صعودی پیدا کرده است.



شکل ۱ : روند تغییرات صادرات بخش صنعت

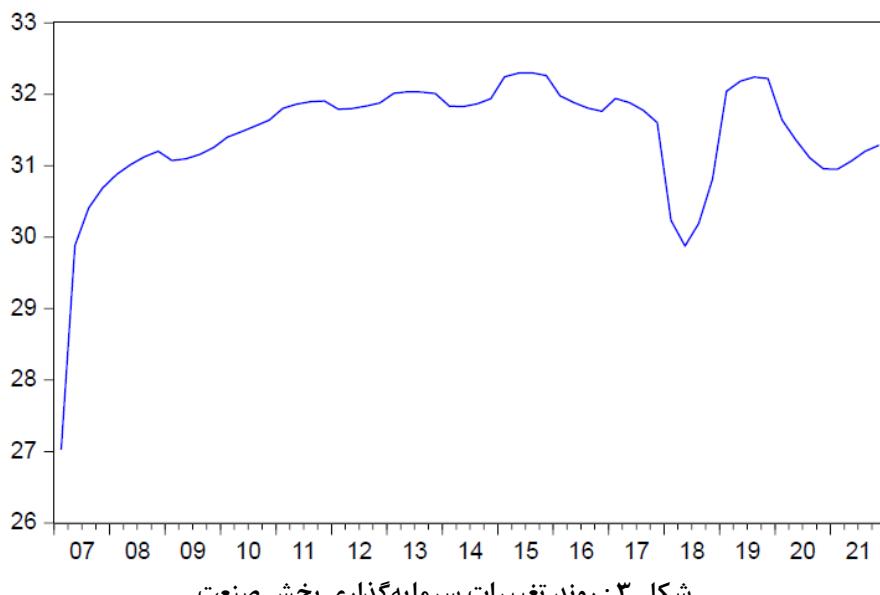
منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۲ : روند تغییرات رشد بخش صنعت

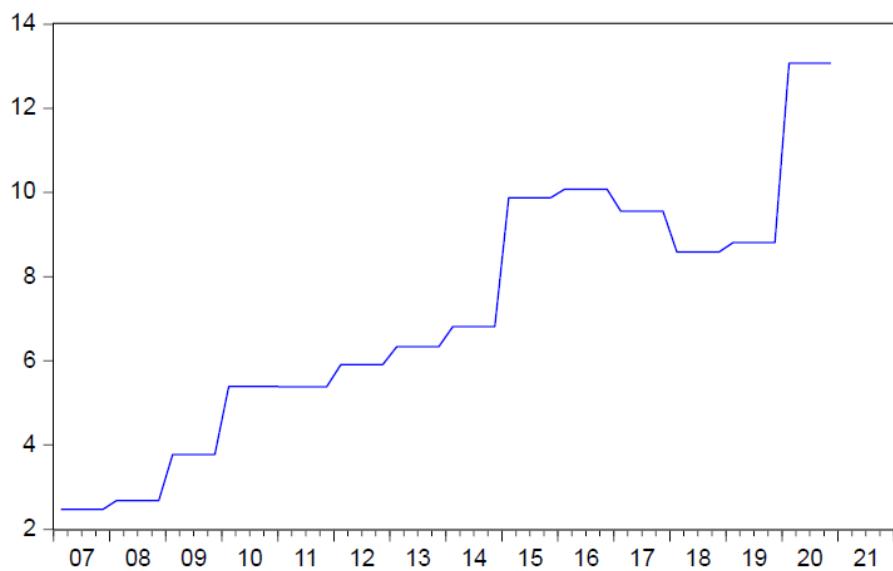
منبع: یافته‌های پژوهش

شکل (۳)، روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری بخش صنعت نیز در طول دوره موردنظری حرکتی نوسانی داشته است، با این وجود از سال ۲۰۰۷ با یک افزایش چشمگیر روبرو بوده و به طور کلی در دوره روند صعودی داشته است؛ اما در شکل (۴)، بیانگر روند تغییرات اعتبارات به بخش صنعت کشور عراق است. این روند نیز علی‌رغم نوسانات موجود فزاینده بوده است. این شکل نشان از روند نسبتاً صعودی این متغیر داشته است. این افزایش به دلیل بهبود شرایط اقتصادی و تقاضای وام برای سرمایه‌گذاری بوده است.



شکل ۳ : روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۴: روند تغییرات اعتبارات به بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. برآورد مدل و نتایج

۴-۱. نتایج آزمون مانایی متغیرها

قبل از برآورد الگو برای حصول اطمینان از نتایج تحقیق در تفسیر فرضیات، بررسی مانایی متغیرها امری ضروری است. لذا، در جدول (۱)، با استفاده از آزمون دیکی – فولر تعمیم یافته مانایی متغیرها بررسی و بیان شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	شاخص	آماره	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون ریشه واحد
CRD _t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	-۷/۷۰۷۶	۰/۰۰۰۰	I(1)
FX _t	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	-۲/۹۸۱۹	۰/۰۴۲۹	I(0)
IV _t	رشد بخش صنعت	-۲/۸۵۶۳	۰/۰۵۷۸	I(0)

I(1)	۰/۰۰۱۴	-۴/۲۳۳۷	سرمایه‌گذاری بخش صنعت	KI _t
I(1)	۰/۰۰۰۰	-۷/۴۳۱۳	اشتغال بخش صنعت	LI _t
I(1)	۰/۰۲۷۵	-۳/۰۷۳۱	صادرات بخش صنعت	XI _t
I(1)	۰/۰۲۷۵	-۳/۱۶۹۸	درجه باز بودن تجارت	OPEN _t
I(2)	۰/۰۰۰۰	-۵/۷۴۴	نرخ ارز واقعی	REER

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۱)، متغیرهای مدل‌های تحقیق ترکیبی از تفاضل مرتبه اول، دوم و در سطح مانا شده‌اند. این امر سبب استفاده از روش‌های از جمله خودرگرسیونی برداری در جهت استخراج روابط بلندمدت را مشکل روبرو می‌نماید. مطابق مباحث ثئوری در اقتصادسنجی وجود شرایط جدول (۱)، روش خود رگرسیون توزیعی با وقفه را پیشنهاد می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰). ولی لازم است، قبل از برآورد مدل‌های تحقیق بروزنزایی متغیرها نسبت به متغیر وابسته با استفاده از آزمون درونزنایی وو- هاسمن مورد آزمون قرار گرفته شود. نتایج آزمون وو- هاسمن ۱ در جدول (۲)، مشخص شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون درونزنایی وو- هاسمن

نتایج آزمون	سطح معنی‌داری	شخص	متغیر	مدل
درونزا	۰/۰۵۶۲	سرمایه‌گذاری بخش صنعت	KI _t	(۱)
برونزا	۰/۴۵۳۷	اشتغال بخش صنعت	LI _t	
برونزا	۰/۷۰۴۵	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	CRD _t	
درونزا	۰/۰۶۴۵	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	FX _t	(۲)
برونزا	۰/۳۴۹۰	نرخ ارز واقعی	REER	
برونزا	۰/۳۴۷۸	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	CRD _t	
برونزا	۰/۵۶۲۳	درجه باز بودن تجارت	OPEN _t	

منبع: یافته‌های پژوهش

۱ - Wo-Hausman endogenous test

نتایج جدول (۲)، مبین آن است که تمام متغیرهای در مدل‌ها نسبت به متغیر وابسته بروزنزا نیستند و بهتر است، الگوی خودرگرسیونی برداری در این تحقیق استفاده و در الگوی طراحی شده متغیرها با توجه به نفاضل مرتبه اول و دوم مانا شده و در مدل‌ها استفاده شود.

۲-۴. نتایج آزمون تعیین وقفه بهینه مدل‌ها

در گام بعدی پس از بررسی مانایی متغیرها، تعیین طول وقفه بهینه است که می‌توان از معیار اطلاعات برای انتخاب مرتبه مدل خودرگرسیونی برداری استفاده نمود. در این راستا، به دلیل اندازه‌ی نسبتاً کوچک نمونه از معیار شوارتر بهره گرفته شده و با توجه به نتایج جدول (۳)، وقفه بهینه هر دو مدل یک است.

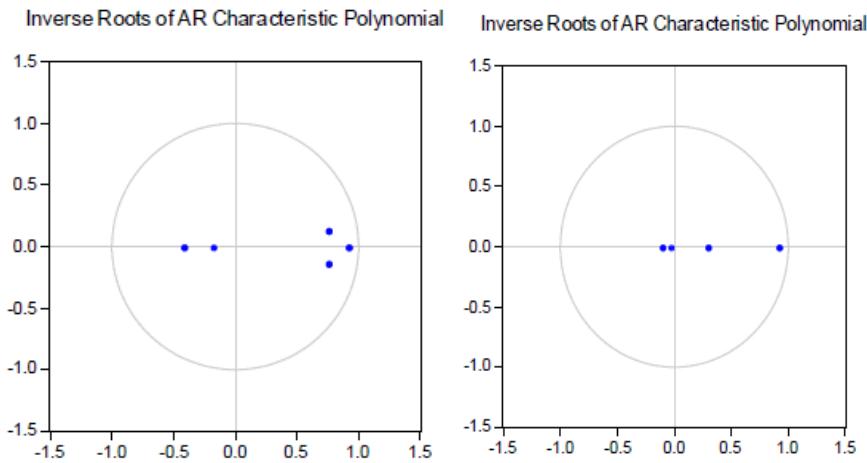
جدول ۳: نتایج آزمون انتخاب وقفه بهینه مدل‌های تحقیق

معیار			وقفه	مدل
حنان	شوارتز	آکائیک		
۱۱/۴۱۳۳	۱۱/۵۰۵۹	۱۱/۳۵۵۶	.	(۱)
۹/۸۰۳۲*	۱۰/۲۶۶۰*	۹/۵۱۵۶*	۱	
۱۰/۲۱۴۱	۱۱/۰۴۷۱	۹/۶۹۶۳	۲	
۱۰/۹۳۹۹	۱۲/۱۴۳۲	۱۰/۱۹۱۹	۳	
-۱۷/۲۰۷۶	-۱۷/۰۶۲۳	-۱۷/۲۸۴۵	.	
-۲۱/۴۳۱۰*	-۲۰/۵۵۸۱*	-۲۱/۸۹۱۲*	۱	
-۲۰/۶۳۱۴	-۱۹/۰۳۱۰	-۲۱/۴۷۵۱	۲	
-۲۰/۴۵۴۲	-۱۸/۱۲۶۳	-۲۱/۶۸۱۴	۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳. نتایج آزمون پایداری مدل‌ها

در تحلیل مدل‌های خودرگرسیونی برداری، بررسی شرایط ثبات مدل قبل از تحلیل توابع واکنش ضربه‌ای بسیار اهمیت دارد. با توجه به شکل (۵)، ریشه‌های مشخصه‌ی مدل‌های برآورده شده درون دایره واحد قرار گرفته‌اند. لذا، مدل باثبات است.



شکل ۵: بررسی ثبات مدل‌های تحقیق

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. نتایج آزمون همگرایی مدل‌ها

در ادامه، آزمون‌های تشخیصی آزمون همگرایی برای بررسی ناایستایی بین متغیرهای مدل تحقیق از آزمون یوهانسون استفاده شده و نتایج آزمون یوهانسون در جدول (۴)، حداقل غیر صفر بیشترین هم انیاشتگی برای روابط بلندمدت برای مدل اول حالت عرض از مبدأ- با روند و در مدل دوم حالت عرض از مبدأ بدون روند را مشخص نموده است. در تکمیل مبحث همگرایی مقادیر ویژه و ماتریس اثر با توجه به حالت انتخاب شده در جدول (۵) و (۶)، بیان شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون یوهانسون مدل‌های تحقیق

مدل	نوع آزمون	رونده ۱	رونده ۲	رونده ۳	رونده ۴	رونده ۵	عرض از مبدأ- با روند ^۴	عرض از مبدأ- بدون روند ^۵	عرض از مبدأ- با روند ^۶	عرض از مبدأ- بدون روند ^۷	عرض از مبدأ- با روند ^۸	عرض از مبدأ- بدون روند ^۹
(۱)	ماتریس اثر ^۱	۴	۲	۴	۳	۴	۴	۲	۴	۳	۴	۴

^۱ - No Intercept No Trend^۲ - Intercept No Trend^۳ - Intercept No Trend(Linear)^۴ - Intercept Trend(Linear)^۵ - Intercept Trend(Quadratic)

۱	۱	۱	۱	۱	ماکریم مقادیر ویژه	
۲	۲	۲	۲	۱	ماتریس اثر	
۲	۲	۲	۲	۱	ماکریم مقادیر ویژه	(۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس، نتایج در جدول (۵)، برای دو مدل تحقیق آماره مربوط به ماتریس اثر به ترتیب؛ که زیر ۵/۰ است، وجود تعداد دو گرایش همگرایی بلندمدت را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون مرتبه ماتریس اثر مدل‌های تحقیق

احتمال معنی‌داری	ارزش بحرانی $\alpha/0.05$	آماره‌ی ماتریس اثره	مقادیر ویژه ^۴	فرضیه ^۳	مدل
۰/۰۱۷۳	۶۳/۸۷۶	۶۹/۰۲۵	۰/۳۶۹۴	None	(۱)
۰/۰۳۰۱	۴۲/۹۱۵	۴۵/۰۴۹	۰/۳۳۲۳	At most 1	
۰/۱۲۳۳	۲۵/۸۷۲	۲۴/۰۴۴	۰/۲۷۱۹	At most 2	
۰/۲۹۱۴	۱۲/۵۱۸	۷/۵۴۱	۰/۱۳۵۰	At most 3	
۰/۰۰۱۱	۶۰/۰۶۱	۷۶/۵۳۳	۰/۶۶۵۲	None	(۲)
۰/۰۷۷۳	۴۰/۱۷۵	۳۸/۲۳۸	۰/۴۷۵۷	At most 1	
۰/۴۰۶۳	۲۴/۲۷۶	۱۵/۶۳۷	۰/۱۹۱۶	At most 2	
۰/۲۲۲۱	۱۲/۳۲۱	۸/۱۹۳	۰/۱۴۰۱	At most 3	
۰/۱۰۴۲	۴/۱۲۹	۲/۹۰۹	۰/۰۷۹۸	At most 4	

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱ - Trace

^۲ - Max-Eig

^۳ - Hypothesized No. of CE

^۴ - Eigenvalues

^۵ - Trace Statistic

^۶ - Critical Value 0.05

اما نتایج در جدول (۶)، برای دو مدل تحقیق آماره مربوط به ماکریم مقادیر ویژه به ترتیب؛ ۴۰/۱۷۵ و ۲۴/۱۵۹ که زیر ۰/۰۵ است، وجود تعداد دو گرایش همگرایی بلندمدت را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون مرتبه ماکریم مقادیر ویژه مدل‌های تحقیق

احتمال معنی‌داری	ارزش بحرانی ۰/۰۵	آماره‌ی ماکریم مقادیر ویژه ۱۵۵	مقادیر ویژه	فرضیه	مدل
۰/۰۰۴۶	۳۲/۱۱۸	۲۳/۹۷۶	۰/۳۶۹۴	None	(۱)
۰/۰۲۵۱	۲۵/۸۲۳	۲۱/۰۰۶	۰/۳۳۲۳	At most 1	
۰/۱۲۵۰	۱۹/۳۸۷	۱۶/۵۰۲	۰/۲۷۱۹	At most 2	
۰/۲۹۱۴	۱۲/۵۱۸	۷/۵۴۱	۰/۱۳۵۰	At most 3	
۰/۰۰۴۳	۳۰/۴۳۹	۳۸/۲۹۴	۰/۶۶۵۲	None	
۰/۰۸۰۱	۲۴/۱۵۹	۲۲/۶۰۱	۰/۴۷۵۷	At most 1	
۰/۷۶۵۸	۱۷/۷۹۷	۷/۴۴۴	۰/۱۹۱۶	At most 2	
۰/۴۲۸۳	۱۱/۲۲۵	۵/۲۸۴	۰/۱۴۰۱	At most 3	
۰/۱۰۴۲	۴/۱۲۹	۲/۹۰۹	۰/۰۷۹۸	At most 4	

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت، با توجه به نتایج هر دو جدول (۵) و (۶) گرایش بلندمدت در مدل تائید شده است. با توجه به نتایج جدول (۷)، در هر دو مدل ارتباط بلندمدت هم از نظر علامت و هم از نظر آماری تائید می‌شود؛ بنابراین، در هر دو مدل تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است که معرف تائید فرضیات تحقیق هست.

جدول ۷: نتایج برآورد روابط بلندمدت مدل‌های تحقیق

متغیر	د	م	ل	تاخیر	شاخص	ضریب	انحراف معیار	t آماره	وضعیت
IV _t					رشد بخش صنعت	۱/۰۰۰۰۰	-	-	-
KI _t)	۱	۰		LI _t (سرمایه‌گذاری بخش صنعت	۱۶۴/۷۴۳	۵۲/۲۹۹	۳/۱۴۹	معنی‌دار است
					اشغال بخش صنعت	۲۱۴۲/۶۰۱	۵۶۵/۷۴۸	۳/۷۸۹	معنی‌دار است

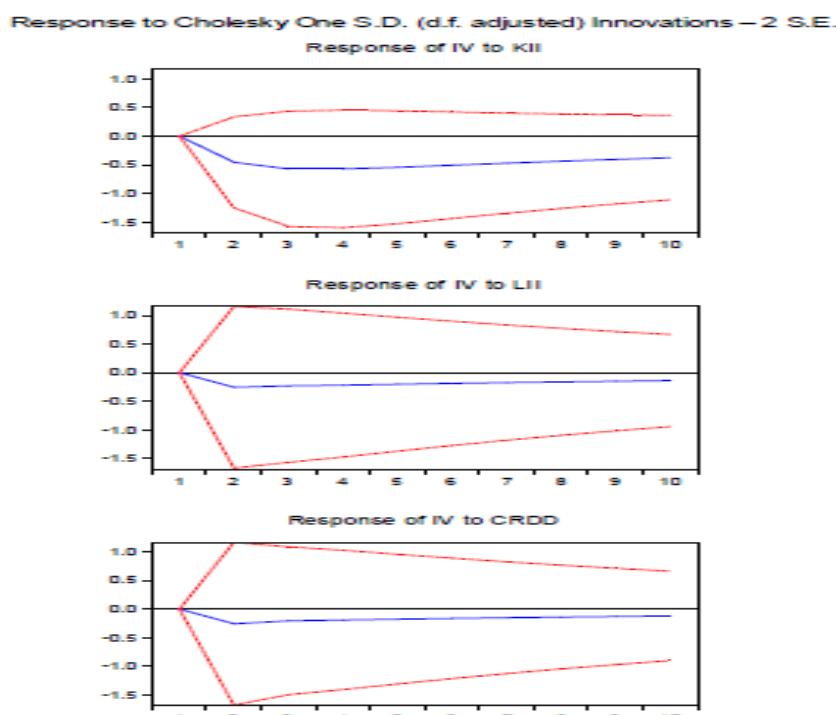
۱ - Max-Eig Statistic

معنی دار است	۳/۲۰۷	۲۰۰/۲۸۰	۶۴۲/۳۲۱	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	CRD _t	
-	-	-	۱/۰۰۰۰۰	صادرات بخش صنعت	XI _t	
معنی دار است	۴/۹۵۲	۰/۰۱۶۵	۰/۰۸۱۷	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	FX _t)
معنی دار است	۴/۹۲۲	۰/۰۵۱۳	۰/۲۵۰۹	نرخ ارزواقعی	REE R	
معنی دار است	۸/۷۵۱	۰/۰۱۸۴	۰/۱۶۰۸	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	CRD _t	(۲)
بی معنا است	۱/۰۶۴۸ -۱	۰/۳۵۹۸	-۰/۳۸۳۱	درجه بازبودن تجارت	OPE N _t	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۵. بررسی پویایی متغیرهای تحقیق

اما به منظور بررسی پویایی بین متغیرهای مدل‌های تحقیق از دو معیار تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس استفاده شده است. در شکل (۶)، تکانه‌های بهاندازه‌ی یک انحراف معیار بر رشد اقتصادی بخش صنعت از تغییرات متغیرهای اعتبارات بانکی به بخش صنعت، سرمایه فیزیکی بخش صنعت و نیروی کار بخش صنعت به تصویر کشیده شده است.

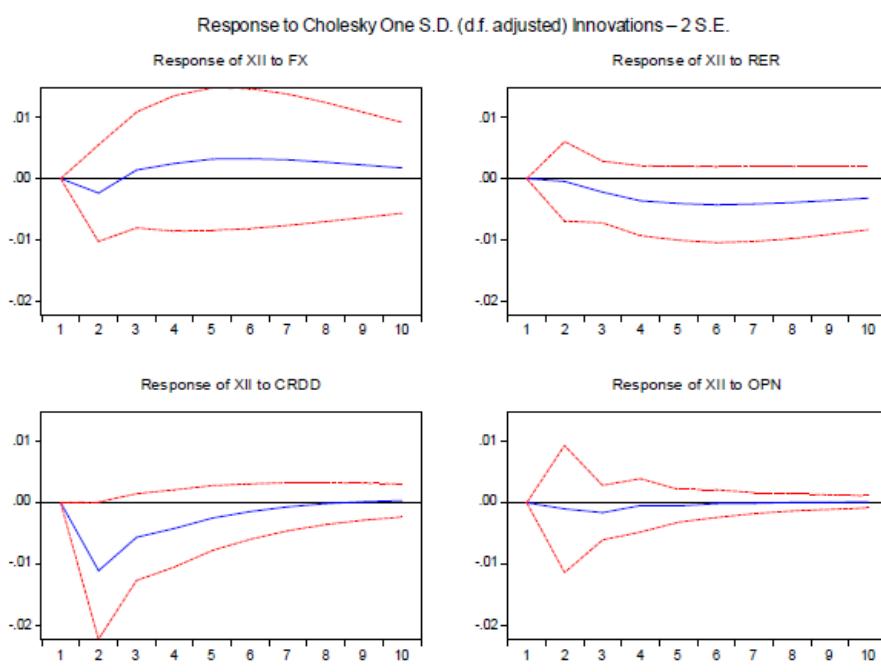


شکل ۶: بررسی تابع واکنش آنی مدل (۱)

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق شکل (۶)، با ایجاد تکانهای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت یکروند کاهشی را طی کرده و این روند در بلندمدت از بین نمی‌رود. تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت منفی و واگرا هست. حال اگر با ایجاد تکانهای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت نیروی‌کاربخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت یکروند کاهشی را شروع شده و این روند در بلندمدت از بین نمی‌رود، بهصورت منفی و واگرا هست. درنهایت، با ایجاد تکانهای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت سرمایه‌فیزیکی بخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت یکروند کاهشی را شروع شده و این روند بلندمدت از بین نمی‌رود. تأثیر سرمایه‌فیزیکی بخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت منفی و واگرا هست.

اما در شکل (۷)، تکانهای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار بر صادرات بخش صنعت از سمت اعتبارات بانکی، تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت، نرخ ارز واقعی و درجه باز بودن تجارت به تصویر کشیده شده است.



شکل ۷: بررسی تابع واکنش آنی مدل (۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

با ایجاد تکانه‌ای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت یکروند کاهشی و میرا تا دوره‌ی هشتم در حرکت است که بیشترین کاهش مربوط به دوره‌ی دوم است و از دوره‌ی نهم به بعد ازنظر آماری بی‌معنی است و با ایجاد تکانه‌ای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت بر صادرات بخش صنعت در طی سه دوره با روند کاهشی حرکت و از دوره‌ی چهارم به بعد باوجود حرکت بهصورت مثبت واگرآ ازنظر آماری معنی ندارد.

اما با ایجاد تکانه‌ای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت نرخ ارزواقعی بر صادرات بخش صنعت در یک دوره به همگرایی می‌رسد و از دوره دوم با روند منفی واگرآ حرکت کرده است که ازنظر آماری قابل قبول نیست. درنهایت، با ایجاد تکانه‌ای بهاندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت باز بودن تجارت بر صادرات بخش صنعت یکروند کاهشی و میرا تا دوره‌ی ششم درحرکت است و از دوره‌ی هفتم به بعد ازنظر آماری بی‌معنی است.

در ادامه، در قالب تجزیه واریانس، اهمیت نسبی هرگونه شوک تصادفی در اثرگذاری بر متغیرها را در جدول‌های (۸) و (۹) بیان شده است. در جدول (۸)، سهم هر یک از متغیرهای مدل (۱) را در تغییرات درصد اقتصادی بخش صنعت برای یک بازده زمانی ده سال معرف آن است که رشد اقتصادی بخش صنعت، بیشترین اثر را در دوره اول بر خود وارد کرده و در دوره دهم ۹۸/۲۵۹ درصد از واریانس خطای رشد اقتصادی بخش صنعت توسط خود رشد اقتصادی بخش صنعت است و ۱/۳۵۰۶ درصد از سرمایه فیزیکی بخش صنعت، ۰/۲۱۶۹ درصد از نیروی کار بخش صنعت و ۰/۱۷۳۵ درصد اعتبارات بانکی به بخش صنعت تفسیر می‌شود. در میان این چهار متغیر بیشترین توضیح‌دهنگی مربوط به سرمایه فیزیکی بخش صنعت و کمترین آن اعتبارات بانکی به بخش صنعت بوده است.

جدول ۸: تفکیک خطای پیش‌بینی متغیر رشد اقتصادی بخش صنعت به‌روش تجزیه واریانس

دوره	انحراف معیار	رشد اقتصادی بخش صنعت	سرمایه فیزیکی بخش صنعت	نیروی کار بخش صنعت	اعتبارات بانکی به بخش صنعت
۱	۵/۰۴۳۷	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۷/۰۶۹۷	۹۹/۳۱۴	۰/۴۲۰۳	۰/۱۳۲۹	۰/۱۳۲۳
۳	۸/۴۶۱۶	۹۸/۹۳۱	۰/۷۵۰۸	۰/۱۶۷۴	۰/۱۵۱۲
۴	۹/۵۰۵۴	۹۸/۶۹۵	۰/۹۵۹۵	۰/۱۸۵۸	۰/۱۶۰۱
۵	۱۰/۳۲۰۴	۹۸/۵۴۶	۱/۰۹۲۹	۰/۱۹۶۶	۰/۱۶۴۹
۶	۱۰/۹۷۲۸	۹۸/۴۴۶	۱/۱۸۲۰	۰/۲۰۳۷	۰/۱۶۷۹
۷	۱۱/۵۰۳۸	۹۸/۳۷۷	۱/۲۴۴۵	۰/۲۰۸۵	۰/۱۷۰۰
۸	۱۱/۹۴۰۹	۹۸/۳۲۶	۱/۲۸۹۹	۰/۲۱۲۲	۰/۱۷۱۵
۹	۱۲/۳۰۴۱	۹۸/۲۸۸	۱/۳۲۴۲	۰/۲۱۴۸	۰/۱۷۲۷
۱۰	۱۲/۶۰۷۶	۹۸/۲۵۹	۱/۳۵۰۶	۰/۲۱۶۹	۰/۱۷۳۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۹)، سهم هر یک از متغیرهای مدل (۲) را در تغییرات درصد صادرات بخش صنعت برای یک بازده زمانی ده سال بیان شده است. صادرات بخش صنعت، بیشترین اثر را در دوره اول بر خود وارد و در دوره دهم ۸۵/۹۴۷ درصد از واریانس خطای رشد اقتصادی بخش صنعت توسط خود صادرات بخش صنعت است و ۲/۳۷۵۳ درصد از نرخ ارز واقعی، ۷/۱۶۴۱ درصد از اعتبارات بانکی به بخش صنعت، ۰/۱۶۴۱ درصد درجه باز بودن تجارت تفسیر می‌شود. در میان این چهار متغیر

بیشترین توضیح‌دهنگی مربوط به اعتبارات بانکی به بخش صنعت و کمترین آن درجه باز بودن تجارت بوده است.

جدول ۹: تفکیک خطای پیش‌بینی متغیر صادرات بخش صنعت به‌روش تجزیه واریانس

دوره	انحراف معیار	الصادرات بخش صنعت	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	نرخ ارز واقعی	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	درجه باز بودن تجارت
۱	۰/۰۳۴۶	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۰/۰۴۲۱	۹۲/۶۴۲	۰/۳۱۵۸	۰/۰۱۰۹	۶/۹۷۳۶	۰/۰۵۷۵
۳	۰/۰۴۵۶	۹۱/۷۵۶	۰/۳۶۶۱	۰/۲۴۳۴	۷/۴۶۰	۰/۱۷۳۵
۴	۰/۰۴۷۵	۹۰/۷۴۶	۰/۶۱۴۴	۰/۰۸۰۹۴	۷/۶۶۱۴	۰/۱۶۸۸
۵	۰/۰۴۸۶	۸۹/۷۳۴	۱/۰۲۳۴	۱/۴۶۹۷	۷/۶۰۰۳	۰/۱۷۲۸
۶	۰/۰۴۹۲	۸۸/۷۰۷	۱/۴۴۲۴	۲/۱۸۹۲	۴۹۲۰۷	۰/۱۶۹۲
۷	۰/۰۴۹۶	۸۷/۷۸۴	۱/۰۸۰۶۰	۲/۸۵۴۸	۷/۳۸۸۱	۰/۱۶۶۷
۸	۰/۰۴۹۹	۸۷/۰۱۱	۲/۰۷۹۱	۳/۴۳۶۷	۷/۳۰۸۴	۰/۱۶۴۹
۹	۰/۰۵۰۱	۸۶/۴۰۴	۲/۲۶۳۵	۳/۹۱۴۴	۷/۲۵۴۱	۰/۱۶۴۲
۱۰	۰/۰۵۰۲	۸۵/۹۴۸	۲/۳۷۵۳	۴/۲۹۳۴	۷/۱۶۴۱	۰/۱۶۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری کلی

الصادرات به عنوان یک عنصر مؤثر و کلیدی در توسعه اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود، چه از دیدگاه اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی در پیشبرد اهداف یک کشور نقش مهمی دارد. توسعه صادرات غیرنفتی همواره مورد توجه سیاستمداران و اقتصاددانان در کشورهای در حال توسعه بوده است. صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی از جمله نفت و کمترشان درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی از جمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تک محصولی است، به‌نحوی که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود. البته، در توسعه بخش صنعت یک کشور بازارهای مالی نقش بسیار مهمی و اساسی بر عهده‌دارند؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق از الگوی خودرگرسیونی برداری پرداخته شده است.

نتایج تخمین رابطه‌ی بلندمدت حاکی از آن است که در هر دو مدل تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است؛ بنابراین، فرضیه اول؛ مبنی بر ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق تائید می‌گردد و نتیجه مذبور با تحقیق فریم پونگ و ماربیا (۲۰۱۰)، بدوى و محمد (۲۰۲۲)، ثو و همکاران (۲۰۲۰) و مینیتی و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در مورد، فرضیه دوم تحقیق؛ ارتباط بین اعتبارات بانکی و صادرات بخش صنعت کشور عراق نیز تائید می‌شود و نتیجه مذبور نیز با تحقیق فریم پونگ و ماربیا (۲۰۱۰)، خلف و علی (۲۰۲۱)، آلمونیا و همکاران (۲۰۲۱) و احمدی‌اشکفتکی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است.

البته ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای سرمایه‌گذاری و اشتغال بخش صنعت با رشد اقتصادی بخش صنعت وجود دارد. تأثیر متغیرهای تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت و نرخ-ارزواقعي بر صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است، معرف آن است که افزایش نرخ ارز سبب کاهش ارزش پول ملی اثرات انقباض بر تولید کل و توسعه صادرات غیرنفتی دارد. ولی تأثیر درجه باز بودن تجارت بر صادرات بخش صنعت منفی و بی‌معنی است، شرایط سیاسی کشور عراق در دوره زمانی تحقیق با وقایع انتخاباتی مجلس عراق و جنگ داعش تأثیر منفی بر درجه باز بودن تجارت عراق داشته است. ولی به دلیل این‌که منبع اصلی تأمین درآمد ملی کشور عراق فروش نفت است، این وقایع تأثیر بی‌معنی را نشان داده است.

تجزیه واریانس، اهمیت نسبی هرگونه شوک تصادفی در اثرگذاری بر متغیرها را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که هر متغیر در مدل تا چه اندازه در تغییرات متغیر دیگر سهیم است. در مورد، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی بخش صنعت بیشترین توضیح‌دهنده‌ی مربوط به سرمایه فیزیکی بخش صنعت و کمترین آن اعتبارات بانکی به بخش صنعت بوده است و نیز، عوامل مؤثر بر صادرات بخش صنعت بیشترین توضیح‌دهنده‌ی مربوط به اعتبارات بانکی به بخش صنعت و کمترین آن درجه باز بودن تجارت بوده است.

با توجه به نتایج بهدست آمده، با توجه به اثر مثبت اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و با توجه به نقش بالاهمیت دولت در دستیابی به توسعه اقتصادی، پیشنهاد می‌شود به اختصاص وام به بخش خصوصی کشور عراق در بخش صنعت توجه ویژه‌ای شود و برای توسعه صادرات صنعتی، بنگاه‌های اقتصادی این بخش به صورت مؤثرتری تأمین مالی گردد و اعتبار دهی به بخش صنعت در اولویت دولت قرار گیرند و نیز، با توجه به اثر مثبت اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت و با توجه به اهمیت توسعه صادرات غیرنفتی در کشورهای دارای منابع نفت، پیشنهاد

می‌شود از بنگاه‌های تولیدی غیرنفتی بخش صنعت برای تأمین مالی و توسعه کسب‌وکار حمایت شود و با اعطای وام به بخش خصوصی زمینه رونق بیشتر این بخش اقتصاد عراق فراهم گردد.

منابع

۱. احمدی اشکفتکی، حمیده، توکلی، اکبر و منصف، عبدالعلی (۱۳۹۶)، تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات غیرنفتی بخش های صنعت و کشاورزی در ایران، اقتصاد کاربردی، ۷(۲۱)، ۱۷-۱.
۲. حسینزاده، هدایت و اسماعیلزاده، فرحتاز (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر نامتقارن شوکهای پولی بر اعتبارات بانکی طی ادوار تجاری، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۳۴)، ۵۵-۳۵.
۳. سلطانی، پروانه، غفاری صومعه، نیلوفر و محمدی، سمانه (۱۳۹۵). تأثیر بی ثباتی بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۳(۳)، ۴۶-۴۱.
۴. طیبی، سید کمیل و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۳). بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده های تابلویی. پژوهش‌های اقتصاد ایران، ۲۶(۸)، ۱۸۱-۲۰۳.
۵. قربانی نژاد، ریباز (۱۳۹۷). تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنفس در روابط کشورها. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۱۳۳(۳)، ۱۵۶-۳.
۶. موحدمنش، صادق‌علی و عالی‌منش، سارا (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر در صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصاد ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۸(۲۷)، ۱۱۵-۱۳۴.
۷. میراحسنی، زهرا، غلامی نتایج، سعید و نوبخت محمدباقر (۱۳۹۰). کارکردهای الگوی توسعه. راهبرد، ۶۱، ۲۱۳-۲۳۳.
۸. هدایی، آرشام، فرزین، محمدرضا، امامی، کریم و غفاری، فرهاد (۱۴۰۲)، تأثیر نوآوری مالی بر رشد اقتصادی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲(۴۳)، ۷۹-۱۰۳.
9. Almunia, M. Antràs, P. Lopez-Rodriguez, D. & Morales, E. (2021). Venting out: Exports during a domestic slump. *American Economic Review* 111 (11), 3611–62.
10. Badawey, S. O. K. & Muhamad, N. J. (2022). Analysis of the role of bank credit in financing medium industrial projects in the Iraqi economy for the period (2008-2019). *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, 18(57, 3), 229–253.
11. Bernard, A. B. & Jensen, J. B. (1999). Exceptional Exporter Performance: Cause, Effect, or Both? *Journal of International Economics* 47(1).1-25.
12. Claessens, S. & Van Horen, N. (2021). Foreign banks and trade. *Journal of Financial Intermediation* 45, 100856.
13. Gupta.V and Keshari.B. B (2013). Statistical Inference in Calibrated Models. *Journal of Applied Econometrics*. 9(1). 123–144.
14. Ding, S. (2022). Bank Concentration and Firm Exports: Evidence from China. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.4155180.

15. Dutse. A. Y. Ningi. S. I. & Abubakar. S. (2013). Technopreneurship and Enterprise Growth in Nigeria: An Exploration into the Latent Role of Microfinance Banks. *Journal of Business and Management*. 12(2). 25-32.
16. Frimpoung. B. & Marbo. C (2010). The Federal Funds Rate and the Channels of Monetary Transmission. *American Economic Review*. 82(1). 901–921.
17. Greenaway, D, Kneller,R (2007). Firm Heterogeneity, Exporting and Foreign Direct Investment. *The Economic Journal*. 117(517). 134–161.
18. Iacovone, L. Ferro,E. Pereira-López, M. & Zavacka, V. (2019). Banking crises and exports: Lessons from the past. *Journal of Development Economics* 138, 192–204.
19. Khalaf, H. H. & Ali, K. G. (2021). Measuring the Impact of Bank Credit on the Total Agricultural Production Granted by the Agricultural Cooperative Bank in Iraq for the Period 1990-2019. *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, 17(55, 2), 555–569.
20. Khan, M. S. & M. D. Knight (1988), "Import Compression and Export Performance in Developing Countries", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 70, PP. 315-321.
21. Levine, R. Lin, C. Peng, Q. & Xie, W. (2020). Communication within banking organizations and small business lending. *The Review of Financial Studies*. 33 (12), 5750–5783.
22. Minetti, R. Mulabdic, A. Ruta, M. & Zhu, S. C. (2021). Financial structures, banking regulations, and export dynamics. *Journal of Banking & Finance* 124, 106056.
23. Noori, I. M. & Aziz, K. I. (2023). Analysis of the reality of bank credit and its role in developing economic growth in Iraq for the period (2004-2021). *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, 19(63, 2), 473–488.
24. Ribeiro, M. B. & Teixeira, J. R. (2001). An econometric analysis of private-sector investment in Brazil. *Cepal Review*, 74, 153-166.
25. Stiglitz. J. E (2017).The Coming Great Transformation *Journal of Policy Modeling*, 394 .625-638.
26. Thi, T. Tu, T. Thi, N. N. Phuong, T. N. & Trinh, B. (2020), Impact of bank credit on exports to Association of South East Asian Nations countries: Empirical study of Vietnam, ASIA & The Pacific Policy Studies, 7(1), 27-42.

